

**فصلنامه** **گره امنیت دریایی** - حمیدرضا عزیزی- اخیرا نیروی دریایی ایران شناورهای پیشرفته تری از جمله زیر دریایی های جدید و کشتنی های جنگی مجهز به موشک در اختیار گرفته و شروع به انجام ماموریت های دریایی تا اقیانوس اطلس و اقیانوس آرام نموده است. این تغییرات در راستای دکترین «دفاع رو به جلوی» ایران است که پس از جنگ ایران و عراق در سال ۱۹۸۸ در پیش گرفته شد و در اوایل دهه ۲۰۰۰ میلادی تقویت گردید.

به گزارش روزنامه دریایی سرآمد، حمیدرضا عزیزی در یادداشتی در نشریه فارن افروز نوشت: در حالی که توان نیروی دریایی ایران رو به گسترش است، واشنگتن باید تلاش های خود برای تضمین امنیت دریاها را تقویت نماید.

در ادامه این مطلب آمده است: از زمان آغاز جنگ در نوار غره در ماه اکتبر، دریای سرخ به دومین صحنه نبرد این منازعه تبدیل شده است. حوثی ها، به عنوان یک گروه مصلح مستقر در یمن که تحت حمایت ایران قرار دارند، با استفاده از موشک و پهپاد کشتیرانی تجاری را در این آبراه مهم بین المللی هدف قرار داده اند. آن ها دو کشتی را غرق کرده و به ده ها کشتی دیگر آسیب زده اند. با اخلال در این مسیر که در حالت معمول حداقل ۱۲ درصد کل تجارت بین المللی از آن عبور می کند، حملات حوثی ها موجب تحمیل هزینه های گزاف بر کشتیرانی شده و سیستم تجارت بین المللی دستخوش تکانه های جدی است. حوثی ها وعده داده اند که تا زمانی که اسرائیل به عملیات نظامی خود در غزه پایان ندهد به هدف قرار دادن کشتی های تجاری ادامه خواهند داد.

ممکن است حوثی ها هدایت کننده این حملات باشند، اما آن ها در این کار تنها نیستند. این گروه بخشی از «محور مقاومت» ایران است که شبکه مشکل از بازیکران عمدتاً غیردولتی است و تهران آن ها را برای دستیابی به اهداف منطقه ای خود به کار می گیرد. ایران برای حمایت از اقدامات حوثی ها در دریای سرخ، اطلاعات و تسلیحات مورد نیاز این گروه را تأمین می کند و رهبران این کشور حملات به کشتی های تجاری را مورد تأیید قرار داده اند.

برای ایران، کمک به حملات حوثی ها تنها بخشی از یک تغییر استراتژی گسترده تر است که انگای آن به نحو فزاینده ای بر توانمندی های نیروی دریایی است. تا همین چهار سال پیش، فعالیت های ایران در دریا عمدتاً محدود به گشت زنی چند صد قایق تندروی سپاه پاسداران در خلیج فارس و تهدید گاه و بیگاه مبنی بر بستن تنگه هرمز بود.

اما اخیراً نیروی دریایی ایران شناورهای پیشرفته تری از جمله زیر دریایی های جدید و کشتنی های جنگی مجهز به موشک در اختیار گرفته و شروع به انجام ماموریت های دریایی تا اقیانوس اطلس و اقیانوس آرام نموده است. این تغییرات در راستای دکترین «دفاع رو به جلوی» ایران است که پس از جنگ ایران و عراق در سال ۱۹۸۸ در پیش گرفته شد و در اوایل دهه ۲۰۰۰ میلادی تقویت گردید. هدف از این دکترین در گیر شدن با دشمنان در فواصلی دورتر از مرزهای ایران است یعنی قبل از اینکه آن ها بتوانند تهدیدی را متوجه خاک کشور کنند.

نیروی دریایی نوسازی شده ایران اکنون جایگاهی محوری در استراتژی نظامی این کشور دارد. ابزارهایی که مدت ها بخشی اصلی دفاع رو به جلوی ایران بر روی زمین را تشکیل می دادند، یعنی موشک ها، پهپادها و شبه نظامیان نیابتی امروز بر روی دریا به کار گرفته شده اند. تهران برای تقویت هر چه بیشتر قدرت خود، دست به ایجاد شراکت های دریایی با چین و روسیه زده است. ایران قصد دارد با تقویت حضور دریایی خود نه تنها جلوی حملات بازنگران خارجی را که ممکن است قصد آسیب زدن به این کشور را داشته باشند بگیرد، بلکه این کار را از طریق تهدید مستقیم دشمنانش به ویژه ایالات متحده انجام دهد.

تهدیدات نیروی دریایی ایران نیازمند واکنش و پاسخ مناسب است. واشنگتن باید آسیب پذیری سیستم کشتیرانی بین المللی را از طریق توسعه مسیرهای تجاری جایگزین کاهش دهد و در این مسیر می تواند در وهله نخست از طریق فراهم کردن شرایط پوستن محدود ایران به نظام تجارت بین المللی تمایل ایران برای



مختل ساختن ترانزیت دریایی را کاهش دهد. به علاوه، در حالی که شرکای ایالات متحده در منطقه خلیج فارس روابط خود با ایران را ارتقا بخشیده اند، واشنگتن باید آن ها را برای استفاده از نفوذشان جهت مهار اقدامات تحریک آمیز ایران تنسویق نماید. در جبهه دریایی نیز، ایالات متحده باید با متحدان خود برای جلوگیری و مهار توان نیروی دریایی ایران همکاری نزدیک داشته باشد.

##### دفاع رو به جلو

ایران چند تغییر مهم را برای توسعه استراتژی دریایی خود اعمال نموده است. اولاً، نیروی دریایی سپاه پاسداران نقش اصلی را عهده دار شده است. در ماه ژانویه نیروی دریایی سپاه دو کشتی جنگی پیشرفته جدید را تحویل گرفت و انتظار می رود در سال های آتی توان رزمی خود را بیش از پیش ارتقا دهد. کشتنی های جدید به نیروی دریایی سپاه این امکان را خواهد داد تا در آن سوی آب های خلیج فارس و خارج از محدوده عمل متعارف نیروی دریایی این کشور به انجام ماموریت های دریایی بپردازد.

توانمندی تکنولوژیک نیروهای جدید یکی دیگر از تغییرات مهم بوده است. ایران دهه ها سرگرم توسعه برنامه موشکی خود بوده، اما اکنون به ششگلی فزاینده در حال تجهیز ناوگان دریایی خود با تکنولوژی های جدید است. کشتی های نیروی دریایی سپاه مجهز به سیستم های موشکی پیشرفته ای هستند که دارای برد ۴۳۰ مایلی اند. قبلاً موشک های زمین بر تآب ایران قادر بودند تنها به اهدافی در محدوده ۱۲۰۰ مایلی خاک ایران حمله کنند. اما قابلیت جایجایی ناوگان دریایی، برد موثر این موشک ها را به شکل قابل توجهی افزایش می دهد.

در طی چند ماه گذشته، ایران چندین ماموریت دریایی را برای کمک به اعضای جبهه مقاومت به انجام رسانده است. بر اساس گزارش روزنامه تلگراف، یکی از واحدهای نیروی قدس سپاه تسلیحاتی را از طریق یک کشتنی باری از بندرعباس برای گروه حزب الله ارسال کرده است. این کشتنی ها در بندر لتاکیه سوریه تخلیه شدند و مسیرهای تجاری خود را ادامه دادند. ایران همچنین «تانکرهای ارواح» را که سیستم های ردیابی خود را خاموش کرده و نام و محل ثبت خود را برای فسرار از تحریم ها تغییر داده اند به کار گرفته تا به سوره به یکی از متحدان نزدیک تهران در محور مقاومت است نفت برساند. در دریای سرخ، کشتی ایرانی بهشاد مشغول ارائه اطلاعات و حمایت های تجسسی برای حملات حوثی ها به کشتیرانی بین المللی است.

یک بخش مهم دیگر از فعالیت های دریایی ایران تشدید کنترل آبراه های استراتژیک است. جغرافیای ایران امکان دسترسی نیروی دریایی این کشور به خلیج فارس و تنگه هرمز را که بیش از ۲۰ درصد نفت مصرفی جهان از طریق آن ترانزیت می شود فراهم می سازد. شراکت ایران با حوثی ها سبب شده تا این کشور حوزه نفوذ خود را به تنگه باب المندب نیز گسترش دهد؛ آبراه ی مابین یمن و شاخ آفریقا در دهانه جنوبی دریای سرخ. در سال ۲۰۱۸ حسن روحانی، رئیس جمهوری وقت ایران به طور ضمنی به کنترل تهران بر این آبراه اشاره کرد و گفت: «ما تنگه های زیادی داریم. تنگه هرمز تنها یکی از آنهاست.» کنار هم گذاشتن سخنان ۵ سال قبل روحانی و حملات اخیر حوثی ها به کشتی های عبوری از این تنگه و وضعیتی هشدارآمیز را ترسیم می کند. رسانه های دولت ایران گزارش داده اند که تهران موشک های بالستیک ضد کشتی را برای حوثی ها ارسال کرده و اینکه فن آوری ایرانی به حوثی ها

کمک کرده تا کشتی های عبوری از دریای سرخ را هدف قرار دهند. این احتمال وجود دارد که ایران فن آوری موشکی مشابهی را نیز در اختیار حزب الله قرار داده باشد که گفته می شود از موشک های ضد تانک روسی نیز برخوردار است. با ترکیب مواضع ساحلی و توانمندی های دریایی اعضای محور مقاومت، ایران می تواند قدرت خود را به فراتر از خلیج فارس یعنی به دریای سرخ و شرق مدیترانه نیز گسترش دهد.

شراکت با چین و روسیه آخرین ستون استراتژی دریایی ایران را تشکیل می دهد. از سال ۲۰۱۹ تاکنون، سه کشور ۴ رزمایش دریایی مشترک را اجرا کرده اند که مورد اخیر آن در ماه مارس در دریای عمان برگزار شد. این رزمایش سیگنالی بود که توانمندی و قصد آن ها برای به چالش کشیدن تسلط نیروی دریایی غربی در منطقه را نشان داد. به عنوان بخشی از همکاری های نظامی رو به گسترش ایران و روسیه، ایران همچنین به دنبال کمک گرفتن از روسیه برای توسعه موشک های نقطه زن پیشرفته تر دوربرد و میان برد برای استفاده در نیروی دریایی اش بوده است.

##### وسوسه دریا

استراتژی ایران مبنی بر نوسازی نیروی دریایی اش، بیش از هر چیز واکنش به تغییرات ایجاد شده در محیط امنیتی این کشور است. تهران این ضرورت را احساس می کند که به گز بنه های خود جهت مقابله با ایالات متحده تنوع بیشتری ببخشد. قبلاً پایگاه های نظامی آمریکا در کشورهای حاشیه خلیج فارس اهدافی آسان تلقی می شدند و در هنگام بالا گرفتن تنش های دیپلماتیک و تشدید فشارهای واشنگتن بر تهران، ایران می توانست تهدید به هدف قرار دادن این پایگاه ها کند. اما طی دو سال گذشته، تهران گام هایی را برای مصالحه با همسایگان عرب خود برداشته و از این رو تمایل چندانی برای به خطر انداختن این روابط ندارد. تهدیدهای تهران علیه پایگاه های آمریکایی در منطقه در نتیجه تقویت این روابط به شکل قابل توجهی کاهش یافته است.

ایران برای اجتناب از ناخوشدونی همسایگانش، شروع به تمرکز بر تهدید منافع آمریکا در مناطقی دورتر کرده است. برای مثال در ماه می، فرمانده نیروی دریایی سپاه اعلام کرد که یکی از کشتنی های جنگی جدید این نیرو از اطراف دیگو گارسیا، یک جزیره دورافتاده در اقیانوس هند عبور کرده که پرسنل نظامی ایالات متحده در آن مستقر هستند. این مانور پیام روشنی برای آمریکا دارشت مبنی بر اینکه ناوگان نیروی دریایی ایران در حال گسترش حوزه نفوذ خود است.

به علاوه با تجهیز نیروهای نیابتی ایران، در صورت بروز یک منازعه احتمالی با اسرائیل گروه های نیابتی این کشور قادر خواهند بود هم از زمین و هم در دریا نیروهای اسرائیلی را هدف قرار دهند. ایالات متحده نیز برای ارائه کمک و حمایت های لجستیکی به اسرائیل با مشکلات بیشتری مواجه خواهد بود، زیرا کشتنی های خودش نیز ممکن است در برابر حملات ایران و متحدانش آسیب پذیر باشند. صرف استقرار این توانمندی ها، اهرم های فشار ایران علیه اسرائیل را افزایش می دهد و تل آویو باید این عامل را در محاسبات خود برای برنامه ریزی استراتژیک جهت اجتناب از رویارویی در جبهه های مختلف مد نظر قرار دهد.

بخشی از انگیزه های ایران دفاعی هستند. ایران قصد دارد از حضور دریایی خود برای بالا بردن هزینه های آغاز جنگ برای دشمنانش

نشریه فارن افروز گزارش داد:

# بلندپروازی های دریایی ایران در راستای دکترین «دفاع رو به جلو»

### از به کارگیری زیر دریایی های جدید تا شراکت دریایی با چین و روسیه

ایالات متحده باید راهبری بازیگران دخیل در این پروژه یعنی هند، اسرائیل، عربستان، امارات و اتحادیه اروپا را بر عهده بگیرد تا احداث زیر ساخت های ریلی و بندری این کوریدور شتاب بیشتری پیدا کند. ایالات متحده همچنین می تواند از پروژه جاده توسعه که خلیج فارس را از طریق عراق به ترکیه و اروپا متصل می کند حمایت نماید. از جمله ایالات متحده می تواند به عراق کمک کند تا وام ها و کمک هایی را از طریق صندوق بین المللی پول و بانک جهانی برای تکمیل این پروژه دریافت نماید.

به علاوه، واشنگتن نمی تواند شرکای خود در منطقه خلیج فارس را به استفاده از روابط بهبود یافته شان با تهران برای کاهش ریسک منازعات دریایی ترغیب نماید. هم ایران و هم اعضای شورای همکاری خلیج فارس علاقمند به تقویت ثبات منطقه ای هستند و گام بعدی برای آن ها تو توسعه چهارچوبی است که در بردارنده تضمین هایی باشد مبنی بر اینکه تمام طرف ها به تجارت و کشتیرانی بین المللی در خلیج فارس و تنگه هرمز احترام خواهند گذاشت. یک پیمان عدم تجاوز بین ایران و همسایگانش می تواند اولین قدم به سمت یک چهارچوب امنیتی منطقه ای باشد و موجب تقویت اعتماد و کاهش احتمال درگیری در سطح دریا شود. ایالات متحده باید برای شرکایش روشن کند که از چنین مذاکراتی حمایت می کند.

دولت بایدن همچنین باید تلاش کند ایران را ولو به صورتی محدود در اقتصاد جهانی ادغام نماید. تحریم های آمریکا موجب محدود شدن تجارت بین المللی ایران شده و این سبب گشته تا در صورت اختلال در مسیرهای ترانزیتی، ایران چیز چندانی برای دست دادن نداشته باشد. بالا بردن هزینه های اخلال در تجارت جهانی برای ایران می تواند محاسبات تهران را تغییر دهد. یکی از گام هایی که واشنگتن می تواند در این مسیر بردارد، موافقت با پیشبرد طرح ها برای توسعه و مدیریت بندر چابهار ایران است.

در کنار تلاش های دیپلماتیک، ایالات متحده باید از شرکای منطقه ای خود بخواهد تا اقداماتسی نظامی برای مهار چالش های نیروی دریایی ایران اتخاذ نمایند. گفتگوها در زمینه عادی سازی روابط اعراب و اسرائیل فرصتی را برای تضمین چنین تعهداتی فراهم می کند. یک ائتلاف نظامی رسمی که در بر دارنده اسرائیل، عربستان و کشورهای حوزه خلیج فارس باشد، بدون شک موجب تحریک ایران خواهد شد. اما این گفتگو ها به احتمال زیاد اشکال محدودتری از همکاری ها نظیر به اشتراک گذاری منظم اطلاعات دریایی و حمایت های فنی و لجستیکی را موجب خواهد شد. این تلاش ها به ویژه در صورتی اهمیت خواهد یافت که یک موافقتنامه امنیت دریایی منطقه ای در بردارنده حضور ایران نتواند محقق شود.

در چنین سناریویی، کشورهای حاشیه خلیج فارس به دنبال راه هایی دیگر برای محدود کردن توان ایسران در دریا خواهند رفت که از جمله این راه ها همکاری های نظامی با ایالات متحده خواهد بود. همکاری با متحدان اروپایی و واشنگتن نیز به همان میزان حائز اهمیت است. نیروهای اروپایی در جریان مقابله با حوثی ها در دریای سرخ به کارزار نظامی ایالات متحده پیوستند، اما توانایی آن ها برای گسیل سریع نیرو و تداوم عملیات در مناطق دور از پایگاه هایشان محدود بود. برای تجهیز ارتش این کشورها جهت واکنش سریع به تهدیدات دریایی نامتقارن در آینده، دولت های اروپایی باید تعداد کشتنی های جنگی اعزام شده به این مناطق را افزایش دهند و حمایت های لجستیکی را ارتقا ببخشند.

در حالی که دفاع رو به جلوی نیروی دریایی ایران شکل می گیرد، ایالات متحده و متحدانش باید آماده باشند. استراتژی ایران به گونه ای طراحی شده که چابک باشد و به این کشور اجازه دهد که هزینه های یک منازعه بین المللی را بالا برده و منافع آمریکا را در بسیاری از مناطق تهدید نماید. واشنگتن باید از تمام توان دیپلماتیک و ابزارهای نظامی در اختیار خود برای معانعت از بهره برداری تهران از دریاها استفاده نماید.

چه اسرائیل باشد چه ایالات متحده و چه هر نیروی متخاصم دیگری استفاده نماید. تهران می تواند این هدف را با به رخ کشیدن توانایی اش در مختل کردن مسیرهای ترانزیت بین المللی یعنی همان کاری که حوثی ها در جریان جنگ غزه انجام داده اند محقق سازد. برای تقویت بیشتر توانمندی ها، ایران تلاش کرده که در ازای ارائه تسلیحات پیشرفته به نیروهای نظامی سودان، یک پایگاه دریایی در ساحل این کشور در دریای سرخ ایجاد نماید، هر چند که این تلاش ها موفق بوده است. ایجاد چنین پایگاهی در سودان در کنار نفوذی که بر حوثی ها دارد، موجب دسترسی ایران به یک گذرگاه بین المللی از هر دو جهت خواهد شد. بر اساس محاسبات تهران، اگر دشمنان این کشور مطمئن شوند که یک زد و خورد منطقه ای موجب اختلال تجارت جهانی خواهد شد، احتمال کمتری وجود خواهد داشت که آن ها ریسک یک هرج و مرج اقتصادی را به جان خریدند و حملاتی را به نیروهای ایرانی یا به داخل خاک ایران انجام دهند.

در نهایت اینکه با توجه به دشوار تر شدن انتقال سلاح به متحدان ایران از طریق زمین و هوا در نتیجه اقدامات اطلاعاتی اسرائیل، انتقال تسلیحات از طریق مسیرهای دریایی یک گزینه جذاب تر به نظر می رسد. مسیرهای سنتی نظیر «پل زمینی» که ایران را از طریق عراق به سوریه و لبنان متصل می سازد و «کریدور هوایی» که ایران را از طریق عراق به سوریه مر بیط می کند به مسیرهایی خطرناک تبدیل شده اند، زیرا عملیات های اطلاعاتی اسرائیل این نقل و انتقالات را شناسایی کرده و حملات هوایی مانع از به سرانجام رسیدن آن ها می شود. در مقابل، حمل و نقل دریایی کمتر از دو روش قبلی مورد رصد قرار می گیرد و از نظر مسیرهای جایگزین و استفاده از انواع مختلف کشتنی ها انعطاف پذیری بیشتری دارد. این روش به ایران اجازه می دهد تا جریان ارسال تسلیحات به متحدانش را تداوم ببخشد.

##### کاهش تهدیدات

با وجود اینکه ایران استراتژی دریایی خود را مورد بازنگری و نوسازی داده، نیروی دریایی متعارف این کشور همچنان عقب تر از ایالات متحده و اکثر متحدانش قرار دارد. اما این بدان معنا نیست که فعالیت های ایران در دریا تهدیدی برای غرب تلقی نمی شود. خطر اصلی توانمندی رو به افزایش ایران برای ایجاد جنگ های نامتقارن در حوزه دریا، استفاده از حملات ترکیبی موشکی و پهپادی، انجام عملیات از طریق شبه نظامیان نیابتی و کنترل آبراه های استراتژیک

برای هدف قرار دادن منافع آمریکاست. تعمیق روابط ایران با چین و روسیه موجب جدی تر شدن این تهدیدات می شود. تهران نه تنها فن آوری های دریایی پیشرفته را از این طریق به دست می آورد، بلکه تجربه انجام جنگ های دریایی موثر از طریق این شراکت ها را نیز کسب می کند. اما فعالیت های نیروی دریایی هر یک از این کشورها چه در هماهنگی با سایر کشورها و چه به صورت انفرادی، می تواند به تحقق هدف مشترک آن ها یعنی به چالش کشیدن تسلط آمریکا در دریا کمک نماید. همانطور که تجربه ناموفق آمریکا و بریتانیا در متوقف کردن حملات حوثی ها در دریای سرخ نشان داد، مواجهه با عملیات های دریایی نامتقارن به ویژه در آب های دور دست کاری بس دشوار است. اگر ایران، چین و روسیه به صورت مستقیم و همزمان در چند نقطه جغرافیایی مختلف به اهداف نیروی دریایی آمریکا و کشتیرانی تجاری حمله کنند می تواند نیروی دریایی ایالات متحده را گرفتار سازند.

ایالات متحده برای کاستن از تهدیدات نیروی دریایی ایران باید اقداماتی را به اجرا بگذارد. با پیشبرد ابتکاراتی برای توسعه مسیرهای ترانزیت بین المللی جایگزین، واشنگتن و شرکایش می توانند وابستگی خود به آبراه های آسیب پذیر را کاهش دهند. یکی از ابتکارات اینچنینی کریدور هند-خاورمیانه-اورپاست.

##### بدون شرح

##### قاب دوربین



عکس: اصغر بشارتی

### بدون شرح...



### فریبا عزیزی - اقتصاد سرآمد